

فصل سوم در ذکر بعضی از فروع

۱ - در رساله سؤال و جواب نازل

"سؤال - اگر شخصی در خیال جلای وطن باشد بالفرض و اهل او راضی نشود و منجر بطلاق گردد و ایام تدارک سفر طول بکشد تا یکسنة آیا از ایام اصطبار محسوبست و یا آنکه از یوم مفارقت باید حساب شود و یک سنه صبر نماید؟

جواب - اصل حساب از یوم مفارقت است و لکن اگر قبل از مسافرت بیکسال مفارقت نماید و عرف محبت متضوع نگردد طلاق واقع و الا از یوم مسافرت حساب نمایند تا انقضای یکسنة بشروطیکه در کتاب اقدس نازل شده."

۲ - "سؤال - در مدت اصطبار هر گاه متضوع شود رانحه حبّ و باز کراهت حاصل شود و در ظرف سنه گاه کراهت و گاه میل و در حالت کراهت سنه بآخر رسد در اینصورت افتراق حاصل است یا نه؟
جواب - در هر حال هر وقت کراهت واقع شود از یوم وقوع ابتدای سنه اصطبار است و باید سنه بآخر رسد."

۳ - "سؤال - هر گاه زمان اصطبار منقضی شود و زوج از طلاق دادن امتناع نماید تکلیف ضلع چیست؟
جواب - بعد از انقضای مدت طلاق حاصل و لکن در ابتدا و انتها شهود لازم که عند الحاجة گواهی دهند."

۴ - "سؤال - در باب طلاق که باید صبر شود یکسنة اگر رانحه رضا و میل بوزد از یکطرف و طرف دیگر نوزد چگونه است حکم آن؟
جواب - حکم برضایت طرفین در کتاب اقدس نازل. اگر از هر دو طرف رضایت نباشد اتفاق واقع نه."

۵ - "سؤال - اگر در ایام اصطبار اقتران واقع شود و بعد ندامت حاصل گردد آیا ایام قبل از اقتران از ایام اصطبار محسوبست و یا آنکه سال را از سر گیرد؟ و آیا بعد از طلاق ترّیص لازم است یا نه؟

جواب - اگر در ایّام اصطبار الفت بمیان آید حکم زواج ثابت و باید بحکم کتاب عمل شود و اگر ایّام اصطبار منتهی شود و بما حکم به الله واقع گردد تربص لازم نه و اقتران مرء یا مرئه در ایّام تربص حرام است. و اگر کسی مرتکب شود باید استغفار کند و نوزده مثقال ذهب به بیت العدل جزای عمل برساند."

۶ - سؤال - بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر اگر کره واقع شود طلاق بدون اصطبار جائز است یا نه؟
جواب - بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر قبل از اقتران اگر اراده طلاق نماید جائز است ایّام اصطبار لازم نه ولکن اخذ مهر از مرئه جائز نه."

۷ - حضرت عبدالهء جلّ ثنائه در لوح ملاً یوسفعلی رشتی میفرمایند قوله العزیز:

"أما در بحبوحه¹ این سال (مقصود یکسال اصطبار است) اگر دوباره الفت و اجتماع حاصل شد مثل اوّل مدّت ماضیه حکمی ندارد مگر آنکه دوباره قصد طلاق نماید و بعد از گذشتن یکسال از مفارقت دیگر تربص تسعة اشهر لازم نه همان یکسنة کافیهست."

۸ - در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"و الّتی طلّقت بما ثبت علیها منکر لا نفقة لها ایّام تربصها کذلک کان نیر الأمر من افق العدل مشهودا." (بند ۷۰)

و حضرت عبدالهء جلّ ثنائه در لوح ملاً یوسفعلی رشتی میفرمایند قوله العزیز:

"و چون ثبوت فعل منکر در حقّ زوجه شود طلاق دهد دیگر مدّت یک سنه صبر لازم نه. فصل قطعی است و نفس ثبوت منکر طلاق است."

۹ - حضرت ولیّ امرالله جلّ سلطانه در لوح امة الله نیره خانم عشرتی مورّخ ۹ اپریل ۱۹۴۷ مطابق اوّل شهر الجلال سنه ۱۰۴ میفرمایند:

"ذکر اثاثیه و مایملک را نموده بودید که بعد از انقضاء مدّت اصطبار حکمش چگونه است و اولاد که بعد بلوغ رسیده باشند نزد پدر مانند یا مادر؟ فرمودند بنویس آنچه متعلّق بزوجه است و ملک شخصی اوست

¹ بحبوحه: میان وسط

احدی حقّ تصرّف در آن ندارد و اطفال پس از بلوغ مختارند. تعیین حقوق طرفین راجع بمحفل روحانی است. و اینکه در مدّت سال اصطبار زوجه مکلف اقامت با زوج در یکمنزل و مکانست یا مختار است در نقطه و شهری دیگر باشد، فرمودند در مدّت اصطبار بودن در یک مکان جائز نه ولی در یکشهر جائز."